

میثم فرخی

فارغ التحصیل دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

mfarokhi65@gmail.com

## بررسی اقدامات سیاستی پیامبر اکرم (ص) در نهاد فرهنگی - ارتباطی مسجد

### چکیده

مساجد از جمله نهادهای فرهنگی - ارتباطی حائز اهمیت هستند که نقش بی بدیلی و ارزنده ای را در جامعه اسلامی ایفا می نمایند. این نوشتار در صدد است تا اقدامات و فعالیت‌های سیاستی پیامبر مکرم اسلام (ص) به عنوان حاکم شریعت اسلامی را در نهاد مسجد - که نمایانگر و بیانگر ظهور و بروز ایشان در این پایگاه دینی است - مورد واکاوی و مذاقه قرار دهد. بدین منظور اقدامات سیاستی پیامبر اکرم (ص) مانند تاسیس نهاد فرهنگی مسجد، عزل و نصب امامان جماعت، تعیین مسجد به مثابه جایگاه طرح مسائل علمی - آموزشی، بسیج اجتماعی مسلمانان (تجیش جیوش مسلمین) در مسجد، استقرار مسجد به مثابه ی پایگاه وحدت و همبستگی مسلمانان، خبر رسانی و اطلاع دهی به مسلمانان از طریق مسجد و مددکاری اجتماعی مسلمانان در مسجد حاکی از نقش فعال پیامبر اکرم (ص) در حوزه نهاد فرهنگی - ارتباطی مسجد می باشد. از منظر نویسنده اقدامات مذکور نشان دهنده این مطلب است که حاکم اسلامی وظیفه ی هدایت جامعه به سوی رشد، فلاح و شکوفایی استعدادهای نهفته و عظیم انسانی را بر عهده دارد. بدین منظور - برای هدایت جامعه اسلامی به سوی اهداف متعالی - اقتضا می کند که پیامبر (ص) در زمان خود به صورت مستقیم - و برخی موارد غیر مستقیم - در شوون فرهنگی جامعه (به ویژه از مجرای نهاد مسجد) دخالت نمایند تا مسلمانان را به سر حد مقصود و مطلوب برسانند.

**کلید واژه:** مسجد، سیره نبوی (ص)، اقدامات سیاستی، نهاد فرهنگی - ارتباطی

**مقدمه:**

پیشینه اندیشه‌ی اقدامات سیاستی در حوزه‌ی فرهنگ و نهادهای فرهنگی را می‌توان به اندازه قدمت بشریت دانست. این تلاش‌ها از سوی انبیا و صالحان در قالب نوعی اهتمام (در سطوح مختلف) به وجه نمادین حیات اجتماعی قابل تبیین است. در واقع «در طول تاریخ، حکومت‌ها معتقد به تعریف وضعیت فرهنگی مطلوب خود در جوامع تحت سیطره‌شان و تحقق رفتارهای اجتماعی خاص متناسب با ارزش‌های سیاسی و مذهبی‌شان بوده‌اند این بدین معناست که زیست‌جهان‌های انسانی از گذشته دارای سیاستگذاری فرهنگی ضمنی یا صریح برای خود بوده‌اند.»<sup>۱</sup> در این راستا از جمله نهادهای فرهنگی حائز اهمیت که نقش مهم را در جامعه اسلامی ایفا می‌نماید، مساجد می‌باشند. مسجد، از زمان ظهور اسلام به عنوان نماد این شریعت آسمانی مطرح شده است. علت نامگذاری آن بدین جهت بوده که «در فرهنگ دینی نام مسجد یاد آور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد یعنی جایگاه سجده و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست. در حقیقت برترین و اصیل‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال مسجد است.»<sup>۲</sup> این نهاد فرهنگی و ارتباطی از فعال‌ترین نهادهای دینی در اسلام بوده است. به عبارت دیگر مسجد در جامعه اسلامی به عنوان مهمترین کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به عنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل نموده و نه تنها در بعد تزکیه معنوی، که به عنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است. این نماد جامعه مسلمانان در فرهنگ اسلامی از جایگاه بسیار رفیع و والایی برخوردار است به گونه‌ای که به عنوان خانه‌های خدا بر روی زمین معرفی شده است زیرا «اصلی‌ترین پایگاه دین، اخلاق و معنویت و برترین مکان تقویت ایمان و عالی‌ترین مرکز نشر آگاهی و بصیرت و والاترین کانون احیا و تقویت اندیشه و مهم‌ترین مکان گسترش فعالیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در نظام اسلامی است.»<sup>۳</sup>

نقش کلیدی و بنیادین این نهاد دینی در جامعه اسلامی با هجرت پیامبر به مدینه (و تاسیس مسجد قبا) صورت گرفت. به گونه‌ای که بعد از گذشت قرن‌ها از ساخت اولین مسجد، این مکان مقدس هنوز اصلی‌ترین پایگاه و نهاد اسلامی به شمار می‌رود. مسجد در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) به مثابه‌ی مهمترین پایگاه و نهاد فرهنگی مسلمانان نقش بی‌بدیل و ارزنده‌ای را ایفا نموده است. این نوشتار در صدد است تا با نگاه سیاستی در حوزه فرهنگ، سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) را مورد

بررسی قرار دهد. از آنجا که مهمترین نهاد فرهنگی-ارتباطی در سیره نبوی مسجد می باشد تلاش بر آن است که اقدامات سیاستی پیامبر مکرم اسلام (ص) -در حوزه ی فرهنگ و ارتباطات- به عنوان حاکم شریعت اسلامی در نهاد مسجد را - که نمایانگر و بیانگر ظهور و بروز ایشان در این پایگاه دینی است- مورد واکاوی و مذاقه قرار دهد. به عبارت دیگر با تامل و تتبع در سیره نبوی می توان این گونه عنوان نمود که پیامبر اکرم (ص) به عنوان حاکم نظام اسلامی رویکرد ورود در حوزه فرهنگ را بستر سیاستگذاری فرهنگی در جامعه ی آن زمان اتخاذ نموده و بر این اساس امور فرهنگی جامعه را هدایت و جهت دهی می کردند. در ذیل می توان اقدامات سیاستی پیامبر اکرم (ص) در بستر حوزه ی فرهنگ و ارتباطات پیرامون نهاد مسجد را این گونه معرفی نمود:

### 1. تاسیس نهاد فرهنگی مسجد

در طراحی و برنامه ریزی حکومت اسلامی، تاسیس مسجد نخستین پروژه ای است که معمار نهضت اسلامی - پیامبر اکرم (ص)- در آستانه ورود به یشرب در - محله قبا - آن را به مورد اجرا می گذارد. پیامبر اکرم (ص) اولین مسجد را در مدینه بنیان گذاری می نمایند.<sup>۴</sup> این نهاد فرهنگی به عنوان یگانه مقر حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم (ص) محسوب می شده است. «در هیچ منبع تاریخی نیامده است که پیامبر اعظم (ص) در سال های اقامت در مدینه، امور حکومتی و اداری را در جایی جز مسجد انجام داده است. بنابراین از بزرگترین استراتژی های ایشان در تشکیل حکومت دینی ساخت جایگاه و مرکز عمومی به نام مسجد بوده است»<sup>۵</sup> به دستور آن حضرت زمینی خریداری و مسجد در آن بنا می گردد.

رسول خدا (ص) در این امر از زمانی که می خواهند زمین مسجد را برگزینند دخالت می نمایند و در انتخاب خشت، چوب، بنا و سایر مصالح و ابزار اظهار نظر می فرمایند و شخصا در ساختن مسجد و حمل امکانات مشارکت می نمایند و با حضور خود روحیه اصحاب و یاران را تقویت می کنند.<sup>۶</sup>

همچنین برخی از مساجد اساسا با پیشنهاد پیامبر اکرم (ص) بنا می شد. شروع به ساختن بعضی از این مساجد با حضور پیامبر (ص) انجام می گرفت. آن حضرت شخصا در مراسم افتتاح بنای برخی از مساجد شرکت می نمودند و سمت قبله ی آن را تعیین می فرمودند.<sup>۷</sup> همچنین ایشان -با در نظر گرفتن مصلحت- از تاسیس برخی مساجد جلوگیری می نمودند. برای مثال اینکه ایشان به عنوان حاکم شرع تشخیص می دادند با وجود مساجد متعدد در مکانی نیازی به ساخت مسجد جدید نیست

یا اینکه تاسیس مسجد جدید، مایه ی رکود و کم رونقی سایر مساجد همجوار می شود. برای مثال در زمان ایشان گروهی از مردم قبیله مزینه و بنی کعب از آن حضرت تقاضا کردند تا آنان نیز همچون دیگر قبایل در محل زندگی خود مسجدی بنا کنند. پیامبر (ص) به دلیل اینکه محل سکونت آنان تا مسجدالنبی نزدیک بود با پیشنهاد آنان موافقت نکرد و فرمود: «مسجد من مسجد شما هم هست در همین مسجد نماز بگزارید».<sup>۸</sup>

حیطه مداخله ی پیامبر (ص) تنها به تاسیس و ایجاد مساجد محدود نمی گشت بلکه حتی تخریب این نهاد فرهنگی را نیز در بر می گرفت. این امر زمانی حادث گردید که گروهی از منافقان برای ضربه زدن به اسلام ایجاد تفرقه و تضعیف موقعیت مسجد پیامبر (ص) مسجدی به نام ضرار بنا نمودند. پیامبر اکرم (ص) نیز پس از نازل شدن آیه مبارکه 107 سوره توبه افرادی را گسیل داشت تا این مسجد را خراب کنند و آتش بزنند و مکان آن را تبدیل به محل زباله نمایند

قمی در تفسیرش می نویسد: «پیامبر اکرم (ص) عامر بن عدی از بنی عمرو بن عوف، اوسی و مالک بن دُحشم خزاعی را فرستاد تا این مسجد را آتش بزنند و تخریب کنند؛ مالک خزاعی به منزل رفت و آتشی آورد و با آن برگ‌های خرمایی را که در سقف به کار رفته بود آتش زد و کسانی که در آن بودند متفرق شدند. پس از آن که مسجد سوزانده شد، دیوارهای آن را خراب کردند».<sup>۹</sup>

## 2. عزل و نصب امامان جماعت

از دیگر موارد ورود پیامبر (ص) در مسجد عزل و نصب امامان جماعت بوده است. برای مثال پیامبر اکرم (ص) معاذ بن جبل را به عنوان امام جماعت مسجد قبا منصوب نمودند.<sup>۱۰</sup> پس از فتح مکه در سال هشتم هجری پیامبر (ص) عتاب بن اسید را به سمت امام جماعت مسجد الحرام برگزید.<sup>۱۱</sup> در غیاب پیامبر (ص) امامت مسجد النبوی بر عهده ی همان کسی بود که توسط ایشان به عنوان جانشین آن حضرت تعیین می شود. فردی که از سوی پیامبر (ص) بدین سمت منصوب می شود هم امام جماعت مسجد و هم کارگزار امور مربوط به ریاست و حکومت آن حضرت بود. در دوران ده ساله ی اقامت پیامبر (ص) در مدینه نیز کسانی همچون عبدالله بن ام‌مکتوم که در غیاب پیامبر (ص) امامت جماعت مسجد النبوی را به عهده می‌گرفتند، از سوی پیامبر (ص) بدین سمت برگزیده می‌شدند.<sup>۱۲</sup> همچنین نمایندگان قبیله‌ی ثقیف برای تحقیق پیرامون آیین اسلام به مدینه آمدند و به اسلام گرویدند. آنان هنگام ترک مدینه از پیامبر (ص) درخواست کردند تا کسی را به

امامت نماز آنان برگزیند. پیامبر (ص) عثمان بن ابی‌العاص را با آنکه از همه‌ی اعضای هیأت کوچکتر بود به امامت برگزید علت انتخاب عثمان از سوی پیامبر (ص) شوق فراوان او به فراگیری دانش و علاقه‌ی قلبی او به اسلام بود.<sup>۱۳</sup>

حوزه دخالت پیامبر (ص) علاوه بر نصب، عزل امام جماعت در مسجد را نیز شامل می‌شود. به عنوان نمونه روزی ایشان آثار خلط سینه را در محراب مسجد دیدند. بلافاصله سوال فرمودند: چه کسی امام جماعت این مسجد می‌باشد؟ گفتند: فلان کس. پیامبر (ص) فرمودند: من از امامت عزلت کردم (قد عزلت). البته بعدا به خاطر اینکه همسرش اقدام موثری در نظافت مسجد نمود پیامبر اکرم (ص) اور را عفو نمودند.<sup>۱۴</sup>

### 3. تعیین مسجد به مثابه جایگاه طرح مسائل علمی - آموزشی

مسجد در همان آغاز و از عصر تاسیس در عهد پیامبر کانونی و محفلی برای تعلیم و آموزش محسوب می‌شده است. به عبارت دیگر مسجد در زمان پیامبر (ص) کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و پایگاه اساسی‌ترین تعلیمات در تاریخ اسلامی به شمار می‌رفته است که حضرت ختمی مرتبت در راستای نگاه آموزشی، تعلیمی و تربیتی یا خود به طور مستقیم مباحث آموزشی در مسجد را بر عهده می‌گرفتند یا این امر تحت نظارت و سرپرستی کسانی بود که پیامبر (ص) آنها را برای این امر تعیین می‌کردند.<sup>۱۵</sup> اهم اقدامات فعالانه‌ی سیاستی پیامبر اکرم (ص) در این زمینه را می‌توان موارد ذیل بر شمرد:

#### الف) برگزاری جلسات علمی در مسجد

دین مبین اسلام مردم را به فراگیری علم و دانش تشویق و ترغیب نموده و تحصیل علم را بر هر مرد و زنی واجب کرده است.<sup>۱۶</sup> پیامبر اکرم (ص) نیز در زمان خود مردم را به کسب دانش تشویق می‌نمودند و برای این امر مسجد را انتخاب کردند و آن را محفلی برای برپایی گردهمایی‌های علمی در راستای ارتقای فرهنگ و تعالی مومنین در جامعه گردانیدند. شهید ثانی در کتاب منیه المرید نقل می‌کند:

روزی رسول خدا (ص) به مسجد وارد شدند. در مسجد، دو مجلس جداگانه برپا بود. گروهی به فراگرفتن دانش و جمعی به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر (ص) فرمودند: هر دو

گروه به سوی نیکی گام بر می دارند. دسته ای خدا را می خوانند و گروهی نیز آموزش می بینند و جاهلان را تعلیم می دهند؛ ولی این گروه، کار برتری را انجام می دهند. من نیز به منظور آموزش دادن مردم مبعوث شده ام. آن گاه پیامبر (ص) در میان گروهی که سرگرم درس و بحث بودند، نشستند.<sup>۱۷</sup>

از این گونه شواهد تاریخی به روشنی فهمیده می شود که گروهی از یاران پیامبر (ص) در مسجد گرد می آمدند و به تشکیل جلسات علمی و در صدر آن جلسات تلاوت و آموزش قرآن می پرداخته اند. بی گمان آنها این شیوه را با توجه به راهنمایی ها و تأکیده‌های پیامبر (ص) آموخته بودند چرا که ایشان تأکیدی خاص بر آموزش قرآن و گفتگو پیرامون علوم قرآنی در مسجد داشتند. ابن عباس در این زمینه می گوید: «مردی از رسول خدا (ص) پرسید: کدام عمل برتر است؟ پیامبر (ص) فرمود: به یاد خدا بودن و این پاسخ را سه بار تکرار نمود؛ آنگاه فرمود: هر گروهی که در خانه ای از خانه‌های خدا گرد آیند تا کتاب خدا را فرا گیرند و درباره ی دانشهای قرآنی با یکدیگر به بحث و گفتگو پردازند تا آنگاه که به این کار مشغولند میهمانان خدا به شمار می آیند و فرشتگان با بالهای خود بر چنین گروهی سایه ی رحمت می افکنند.»<sup>۱۸</sup>

### ب) تأکید بر طرح مباحث مفید فایده برای مسلمین در مسجد

پیامبر (ص) مسلمانان را از طرح مباحث غیر ضروری و بی فایده در مسجد منع می کردند. از منظر نبی اکرم (ص) مردم در مساجد می بایست دانش و علومی را فرا گیرند که دانستن آن نفعی در پی داشته باشد و ندانستن آن ضرر و خسروانی را متوجه آنان کند. پیامبر (ص) در سفارش‌های خود به ابوذر می فرماید:

«برگزاری هر مجلسی در مسجد لغو و بیهوده است. مگر برای سه دسته: کسی که پس از نماز به قرائت قرآن پردازد، کسی که سرگرم ذکر و یاد خدا باشد یا کسی که به مباحث علمی اشتغال داشته باشد.»<sup>۱۹</sup> یا در جای دیگر نیز پیامبر (ص) به ابوذر بر پرهیز از یاهو گویی و طرح مسائل غیر مفید در مساجد تأکید می کنند. ایشان می فرمایند: «در آنجا - مساجد - با صدای بلند سخن نگوئید. حرف باطل و سخن نادرست نزنید و داد و ستد و خرید و فروش نکنید. ای اباذر تا در مسجد هستی بکوش یاهو و بیهوده نگوئی و اگر این چند دستور را رعایت نکردی روز قیامت جز خویشتن را ملامت و سرزنش مکن.»<sup>۲۰</sup>

امام موسی کاظم (ع) نیز می فرمایند: «روزی رسول خدا (ص) وارد مسجد شد و مشاهده کرد که عده ای دور هم جمع شده اند. پرسیدند: چه خبر است؟ جواب دادند: مردی علامه آمده است. پرسیدند: علامه درباره ی چه چیزی است؟ جواب دادند: او از همگان نسبت به نسب عرب و مسائل مربوط به آن آگاه تر است و رویدادهای دوران جاهلیت و اشعار و فنون ادبی آن ها را می داند. پیامبر (ص) فرمودند: این ها دانشی است که نداشتن آن زینتی ندارد و فرا گرفتن آن نیز سودی در پی ندارد. دانش در سه چیز است: فرا گرفتن آیه ای محکم یا آموختن واجبی از واجبات دینی یا سنتی پابرجا و غیر از اینها تنها نوعی فضیلت و برتری به شمار می آید.»<sup>۲۱</sup>

### ج) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد

از جمله دغدغه‌های پیامبر (ص) در مسجد این بود که از هر فرصتی برای ارتقای سطح علمی مسلمین جامعه استفاده کنند. پیامبر اکرم (ص) در آغاز که شمار مسلمانان اندک بود پیامبر (ص) با تکیه بر یکی از ستونهای مسجد که از چوب درخت خرما ساخته شده بود برای مردم سخن می گفتند.<sup>۲۲</sup> ایشان پس از برپایی نماز جماعت در مسجد به بیان آیات و دستورات الهی می پرداختند و به پرسش ها و سوالات مردم پاسخ می دادند.<sup>۲۳</sup> در طبقات ابن سعد نقل شده است که پیامبر (ص) پس از به جای آوردن نماز صبح در کنار ستون توبه می نشستند. پیش از نشستن آن حضرت (ص) ضعیفان، بینوایان و میهمانان پیامبر (ص) در آنجا جلسه ای برپا می کردند. پیامبر (ص) در جلسه ی آنان حضور می یافتند و آیاتی را که شبانگاه بر ایشان نازل شده بود، برای آنان تلاوت می کردند و تا طلوع آفتاب با آنان به بحث و گفتگو می پرداختند.<sup>۲۴</sup>

پیامبر (ص) نه تنها خود مدرس و معلم کلاسهای آموزشی در مساجد بودند بلکه برای کلاسهای مختلف و متنوع در مسجد افرادی را منصوب می کردند تا جلسات علمی و آموزشی مساجد را اداره کنند برای مثال امیر المومنین (ع) گاه به فرمان پیامبر (ص) بر منبر آن حضرت می نشست و در حالی که یک پله پایین تر از جای پیامبر (ص) بود برای مردم سخن می گفت.<sup>۲۵</sup>

### د) برگزاری مناظرات فردی و گروهی در مسجد

پیامبر (ص) مسجد (به ویژه مسجد النبی) را مهبط و محل مناظره و گفتگوهای میان افراد و هیاتهای محلی و مذهبی قرار می دادند و تلاش ایشان بر این بود تا بتواند با استدلال و توجیحات

منطقی به محاجه و مذاکره با آنان بپردازند.<sup>۲۶</sup> این اقدام سیاستی پیامبر (ص) در حوزه فرهنگ با افراد و هیات‌های گوناگون از نقاط مختلف صورت می‌پذیرفت. پیامبر (ص) در کنار یکی از ستون‌های مسجد که تا به امروز نیز به نام «اسطوانه الوفود» (ستون هیات‌ها) شناخته می‌شود این گونه هیات‌ها را به حضور می‌پذیرفتند و با آنان به مذاکرات دینی و اجتماعی می‌پرداختند. این هیات‌ها علاوه بر بحث و گفتگو پیرامون مسائل اعتقادی به مذاکرات سیاسی و انعقاد پیمان و عهدنامه نیز روی می‌آوردند. از جمله هیات‌هایی که در مسجد به مناظره با پیامبر (ص) پرداخت، هیات ثقیف بود.<sup>۲۷</sup>

از دیگر هیات‌هایی که به مسجدالنبی آمدند و به مناظره با رسول الله (ص) پرداختند، هیات نمایندگی نجران بود. زمانی که آنان به مسجد وارد شدند، پیامبر (ص) نماز عصر را به جای آورده بودند. وقت نماز مسیحیان که فرا رسید، آنان در مسجد پیامبر (ص) به سوی مشرق به نماز ایستادند! برخی از اصحاب گفتند: یا رسول الله، این جا مسجد شماس است! اما پیامبر (ص) آنان را به حال خود گذاشتند تا نماز خویش را به جای آورند. آنان برای اثبات ادعای تثلیث دلایلی بیان کردند. پیامبر اکرم (ص) نیز آیاتی از سوره ی آل عمران را در جواب آنها قرائت فرمودند، اما آنان نپذیرفتند و بر ادعای باطل خویش اصرار می‌کردند و قصد گریز از حقیقت را داشتند که مساله مباحله به میان آمد.<sup>۲۸</sup>

اقدامات مذکور نشان دهنده این است که پیامبر (ص) به مثابه حاکم شریعت اسلام نقش فعال و پویایی را در نهاد فرهنگی مسجد ایفا می‌نماید. این امر نشان دهنده این است که حاکم اسلامی هدایت جامعه به سوی رشد، فلاح و شکوفایی استعدادهای نهفته و عظیم انسانی را بر عهده دارد. هدایت جامعه اسلامی به سوی اهداف متعالی اقتضا می‌کند که پیامبر (ص) در زمان خود به صورت مستقیم - و برخی موارد غیر مستقیم - در شوون فرهنگی جامعه (به ویژه از مجرای نهاد مسجد) دخالت نماید تا مسلمانان را به سر حد مقصود برساند.

#### 4. بسیج اجتماعی مسلمانان (تجییش جیوش مسلمین) در مسجد

پیامبر اکرم (ص) در دوران حکومت خویش بیش از هشتاد غزوه و سریه را پشت سر گذاشتند که زمینه‌های فکری و اجتماعی اکثر آنها در مسجد (به ویژه مسجد النبوی) طراحی گردید. به عبارت دیگر مسجد در زمان آن حضرت (ص) قرارگاه و ستادی برای بسیج، گردهمایی و ساماندهی اجتماعی عموم مردم برای راه اندازی فعالیت‌ها و جنبش‌های مردمی و شرکت در جنگ‌ها و



غزوات به شمار می رفت. از مهمترین عملکردها و فعالیتهای مداخله گرایانه ی پیامبر (ص) پیرامون این حوزه در مسجد را می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

### الف) اعزام سپاهیان اسلام از مسجد

مسجد در زمان پیامبر (ص) پایگاه تجهیز و تدارک و به عبارت دیگر بسیج و تجیش جیوش مسلمین برای مبارزه با دشمنان اسلام بوده است. آن حضرت (ص) در این عرصه توجه خاصی به مسجد داشتند به گونه ای که برای عزیمت به صحنه ی نبرد و نیز بازگشت از غزوه ها ابتدا بدین مکان می رفتند و در آن جا دو رکعت نماز می گزاردند. به عبارت دیگر پیامبر اکرم (ص) نهاد فرهنگی مسجد را مکان و پایگاه اصلی جهت سیاستگذاری و خط مشی در حوزه بسیج اجتماعی مسلمانان قرار دادند. واقدی در زمینه عزیمت پیامبر (ص) به غزوه ی حمراء الاسد می نویسد:

«پیامبر اکرم (ص) برای شرکت در غزوه ی حمراء الاسد در حالی که به شدت در جنگ احد مجروح شده بودند وارد مسجد شدند. اهالی بالای مدینه هم وقتی فرمان جهاد را شنیدند، به سرعت خود را به مسجد النبی رساندند. آن حضرت (ص) دو رکعت نماز به جای آوردند و امر فرمودند تا اسب ایشان را بر در مسجد حاضر کنند. ایشان زره پوشیده و کلاه خود و مغفر بر سر گذاشته بودند، به طوری که تنها چشمان ایشان دیده می شد.»<sup>۳۹</sup> ابن هشام نیز می نویسد: «پیامبر اکرم (ص) و اصحابش در غزوه ی احد، روز جمعه پس از پایان نماز عصر از مسجد النبی به سوی منطقه احد حرکت کردند».<sup>۴۰</sup>

اینها نمونه هایی از تجهیز و تدارک و اعزام سپاهیان اسلام توسط رسول اکرم (ص) در مسجد است اما آن حضرت (ص) نیز در هنگام بازگشت از غزوه ها توجه خاصی به مسجد داشتند. ایشان هر گاه از غزوه ای باز می گشتند ابتدا به مسجد می رفتند و در آنجا دو رکعت نماز می گزاردند.<sup>۴۱</sup>

### ب) مشورت و مشاوره با مسلمانان جهت تدارک آنها به سوی جبهه های نبرد

پیامبر اکرم (ص) بحث و گفتگو پیرامون شیوه های رزم، نبرد و نحوه مواجهه و رویارویی با دشمن را در مسجد مطرح می کردند. ایشان در این زمینه در کنار رعایت مسائل امنیتی و اطلاعاتی با اصحاب و یاران خویش - مومنان و افرادی که از صلاحیت های لازم برخوردار بودند - پیرامون چگونگی برخورد و رویارویی با دشمن به گفتگو و مشورت می پرداختند. ایشان نظرات و چاره اندیشی های مختلف را کاملا لحاظ می نمودند و حتی در بسیاری از موارد نظرات دیگران را به لحاظ

رعایت برخی مصالح بر نظر خویش ترجیح می‌دادند. برای مثال در متون تاریخی آمده است که آن حضرت (ص) برای موضع‌گیری مناسب در جنگ بدر، در یکی از مساجد اطراف مدینه به نام عرق الظبیه با اصحاب خود به مشورت پرداختند.<sup>۳۲</sup> یا در جنگ احد هنگامی که پیامبر (ص) از حرکت سپاه قریش به سوی مدینه آگاه شد در مسجد حضور یافت و در اجتماع مردم پیرامون این رویداد سخن گفت و از مسلمانان خواست تا آرای خود را درباره‌ی چگونگی رویارویی با دشمن مطرح کنند که سرانجام با آنکه خود مایل به باقی ماندن در مدینه و جنگ گردن با دشمن در شهر بودند با توجه به افکار عمومی مسلمانان بر آن شدند تا بیرون از شهر و در دامنه‌ی کوه احد به رویارویی با دشمن بپردازند.<sup>۳۳</sup>

از دیگر مسائل مربوط به بسیج مسلمانان در مسجد بررسی وضعیت کسانی بود که به دلایل گوناگون از حضور در جنگ خودداری کرده بودند. چنین کسانی پس از بازگشت پیامبر (ص) از جنگ به حضور آن حضرت در مسجد می‌رسیدند و عذر خویش را نسبت به عدم شرکت در جنگ با پیامبر (ص) در میان می‌گذاشتند. برای مثال کسانی که در جنگ تبوک از همراهی با سپاه اسلام خودداری کرده بودند پس از ورود پیامبر (ص) به مدینه در مسجد حضور یافتند و مراتب عذر یا ندامت و پشیمانی خود را نسبت به عدم حضور در جبهه اعلام کردند.<sup>۳۴</sup>

## 5. استقرار مسجد به مثابه‌ی پایگاه وحدت و همبستگی مسلمانان

پیامبر (ص) مسجد را مرکز وحدت و همبستگی مسلمانان معرفی و تعیین می‌کند و برای حضور دایمی مسلمانان در آن، آداب و رسوم خاصی را در برنامه خود منظور می‌نماید. ایشان تمام اقشار جامعه، فقیر و غنی، سیاه و سفید، عرب و عجم، زن و مرد را به حضور در این محفل فرا می‌خواند. از منظر پیامبر اکرم (ص) اجتماع در مسجد موجب اتحاد قوا و نیروهای پراکنده مسلمین در جامعه می‌گردد. در این راستا از مهمترین اقدامات سیاستی ایشان در حوزه وحدت آفرینی مسجد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

### الف) شرکت و حضور در صفوف نماز جماعت به مثابه مهمترین منسک دینی

#### وحدت بخش مسلمانان

از منظر پیامبر اکرم (ص) حضور در مساجد و شرکت در نماز جماعت باعث وحدت و همبستگی اجتماعی و ایجاد یک وفاق جمعی میان مسلمین می‌شود. برپایی و شکل‌گیری نماز جماعت در مسجد به مثابه‌ی یکی از باشکوه‌ترین مصداق‌های وحدت و همگرایی اجتماعی در جامعه مسلمانان تلقی می‌گردد. مسلمانان در اجرای این عمل اجتماعی صرف نظر از تفاوت‌های سیاسی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در صفوفی متحد و به هم فشرده، در کنار یکدیگر به عبادت و نیایش می‌

پردازند.<sup>۳۵</sup> «بدیهی است چنین اجتماع و گردهمایی که در آن تمام اقشار جامعه، در کنار یکدیگر به نماز می ایستند، تا چه حد نفاق، کینه، بدخواهی، تفاخر و اختلاف‌های طبقاتی را از میان می برد و جای خود را به مهر، صفا، برادری و برابری می دهد و تا چه اندازه این صفوف به هم فشرده مومنان سبب ایجاد وحشت و هراس در دل‌های منافقان و دیگر مخالفان آیین نوین می شود».<sup>۳۶</sup>

آن حضرت (ص) مسجد را که محل حضور دائمی مسلمانان بود، به محور و پایگاهی برای وحدت و اتحاد مبدل ساخته بودند. عبدالله بن مسعود درباره ی اهتمام رسول الله (ص) در این زمینه این گونه بیان می کند: «رسول خدا (ص) در نماز جماعت شانه‌های ما را با دستان مبارکشان می گرفتند و می فرمودند، مساوی و منظم باشید و نامنظم نایستید که قلب‌های شما از همدیگر جدا می شود». یا ابو ابوبصیر می گوید: شنیدم که امام صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) می فرمایند: «صف‌های خود را منظم کنید و شانه ها را به هم متصل نمایید تا میان شما فاصله ای نباشد».<sup>۳۷</sup>

### ب) بیعت با تازه مسلمانان در مسجد

بیعت با تازه مسلمانان در مسجد و با حضور اصحاب پیامبر صورت می گرفت. بیعت با پیامبر علاوه بر آن که ابراز گرایش و اعتقاد به دین اسلام بود یک پیمان و تعهد اجتماعی وحدت بخش به شمار می رفت. بدین گونه که تازه مسلمان با ورود به مسجد احساس غربت و تنهایی نکند و خود را پس از اسلام آوردن و بیعت با پیامبر در جرگه ی مسلمین بداند بدین خاطر پیامبر این عمل را که دارای جنبه‌های اجتماعی و سیاسی است و نشان از یکپارچگی مسلمانان و هماهنگی آنان با حکومت دارد، در مسجد و با حضور اصحاب انجام می داد. تازه مسلمانانی که برای اعلام بیعت و وفاداری خود به آیین جدید به مدینه می آمدند، در مسجد و در حضور مسلمانان با پیامبر بیعت می کردند این عمل سبب می شد تا مسلمان شدن آنان جنبه رسمی و علنی بیابد و آنان جزو خانواده بزرگ امت مسلمان حساب شوند.

واقعی درباره ی بیعت فردی به نام «وائله» با پیامبر (ص) این چنین می گوید:

«وائله پسر اسقع لیشی به مدینه وارد شد و در کنار شهر فرود آمد. او به هنگام نماز صبح به حضور پیامبر (ص) رسید و با آن حضرت نماز صبح گزارد. پیامبر (ص) پس از نماز صبح معمولاً بر می گشت و به چهره ی اصحاب خود می نگریست. چون نزدیک وائله رسید او را شناخت. فرمود:

تو کیستی؟ او خود را معرفی کرد. پیامبر (ص) فرمود: برای چه آمده‌ای؟ گفت: آمده‌ام تا بیعت کنم. پیامبر (ص) فرمود: بیعت بدان معناست که به هر (اندازه از احکام و دستورات اسلام) که می‌توانی عمل کنی؟ وائله گفت: آری. آنگاه پیامبر (ص) با او بیعت نمود.<sup>۳۸</sup>

### ج) اخراج منافقان از مسجد

پیامبر اکرم (ص) در راستای حفظ وحدت و همبستگی مسلمانان با کسانی که قصد خدشه و آسیب به این یکپارچگی را داشتند مبارزه نموده و آنها را از این پایگاه مقدس و روحانی اخراج می‌کردند. در این راستا مسلمانان به فرمان پیامبر (ص) با چنین کسانی که گاه اقدام به یک سری رفتارهای نفاق آمیز در مسجد می‌نمودند برخورد کرده و آنان را از مسجد بیرون می‌کردند. ابن هشام ماجرای را نقل می‌کند که طی آن مسلمانان به فرمان پیامبر (ص) گروهی از منافقان را از مسجد بیرون نمودند.<sup>۳۹</sup>

این رویداد تاریخی حاکی از این امر است که مسجد عصر پیامبر (ص) نقشی وحدت بخش و وحدت آفرین در میان مسلمانان داشته و ایشان با برنامه ریزی و خط مشی مناسب با افرادی که خواستار بروز رفتاری منافقانه بودند به نحو جدی و قاطعی برخورد می‌کردند. همچنین این موضوع در ایجاد و تاسیس بنای برخی از مساجد نیز ساری و جاری بوده که هدف از بنیان آن، ایجاد تفرقه و نفاق در جامعه اسلامی می‌باشد. در این زمینه نیز در سیره نبوی مخالفت‌ها و مبارزه‌های اساسی و علنی انجام شده است.<sup>۴۰</sup>

### د) حضور زنان در مسجد تمرین همبستگی دینی

پیامبر (ص) با فرا خوان زنان به حضور در مسجد و توصیه مردان به عدم ممانعت از حضور آنان گام‌های اساسی لازم برای وحدت آفرینی امت اسلامی برداشت. در واقع تلاش ایشان بر آن بود تا با حضور زنان در مسجد نیمه ی دیگر جامعه ایمانی مسلمان تکمیل شود و شبهه ی تفرق و پراکندگی میان مسلمانان برطرف گردد. در این زمینه پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه بخشی از مسجد را به زنان اختصاص دادند و در سفارشی به اصحاب فرمودند: «اگر همسر یکی از شما اجازه خواست تا به مسجد برود مانع نشوید.»<sup>۴۱</sup> ایشان همچنین در سفارشی دیگر به اصحاب و مسلمین فرمودند:

«وقتی که زنان از شما اجازه می خواهند تا به مسجد بروند، آنها را از ثواب و بهره ی مسجد محروم نکنید».<sup>۴۲</sup>

حتی گاهی این حضور جهت همبستگی و اتحاد مسلمین در خارج از مسجد نیز جاری بود برای مثال ام عطیه می گوید: وقتی رسول خدا (ص) می خواست نماز عید را بخواند، دستور می داد که زنان و دختران و حتی آنان که در عادت ماهیانه به سر می برند از شهر مدینه بیرون بیایند و در نماز عید شرکت نمایند. لیکن زنان صاحب عادت در گوشه ای می نشستند و به خطبه های نماز عید گوش فرا می دادند.<sup>۴۳</sup>

## 6 خبر رسانی و اطلاع دهی به مسلمانان از طریق مسجد

مسجد در زمان پیامبر (ص) به مثابه ی چهار راه بزرگ اطلاعاتی و خبری محسوب می شد. پیامبر اکرم (ص) از این نهاد دینی به مثابه ی محفلی جهت خبر رسانی و اطلاع دهی (پایگاه خبری - اطلاعاتی) در خصوص رویدادها و امور اجتماعی به مسلمین استفاده می کردند. در واقع مسلمانان با حضور در مسجد از طریق این مجرای ارتباطی از وقایع روز، وضعیت کشورها و مسائل مستحدثه دینی مطلع می شدند و از تحلیل حوادث و وقایع توسط پیامبر (ص) و اصحاب ایشان سود می جستند. حضور مسلمین در مسجد امکان تبادل اطلاعات و مطلع شدن آنها از احوال یکدیگر را فراهم می ساخت. این شیوه ی اطلاع رسانی به صورت مستقیم، چهره به چهره و در فضای صمیمی و عاطفی صورت می گرفت.

سنت پیامبر نیز این گونه بود که هرگاه مشکلات فکری و ناهنجاری های اجتماعی پیش می آمد در مسجد حضور می یافتند و با ایراد سخنرانی به تنویر افکار عمومی می پرداختند. این سخنرانی ها معمولاً پس از نماز جماعت انجام می گرفت و گاه که حادثه ای مهم رخ می داد، مردم با شنیدن ندای «الصلاه جماعه» در مسجد گرد می آمدند و حضرت برای آنان سخنرانی می کردند.<sup>۴۴</sup> برای مثال آنگاه که مسیلمه کذاب و اسود عنسی ادعای پیامبری کردند و این ماجرا ممکن بود افراد سست ایمان را دچار انحراف و لغزش کند پیامبر (ص) بی درنگ در مسجد حاضر شدند و با ایراد سخنرانی مسلمانان را نسبت به پوچ بودن ادعاهای آنان آگاه نمودند.<sup>۴۵</sup> پیامبر (ص) همچنین در ماجرای افک که گسترش شایعات بی اساس ممکن بود جامعه ی اسلامی را دچار تشتت و

نابسامانی کند در مسجد حاضر شدند و طی سخنانی مردم را نسبت به خطرات چنین حرکت‌هایی هشدار دادند.<sup>۴۶</sup>

حضرت رسول (ص) نیز در این زمینه به منظور که این مردم در جریان ایثارگری‌ها و رشادت‌های سپاهیان اسلام قرار گیرند تا حمایت و پشتیبانی بیشتری را از آنان به عمل آورند، تلاش‌های صادقانه آنان را در جبهه‌ها برای مردم تشریح می‌نمود و مومنان حاضر در مسجد را در جریان آخرین رویدادهای جبهه قرار می‌داد. همچنین ایشان در مسجد و در اجتماع سپاهیان و مسلمانانی که به منظور بدرقه آنان حاضر می‌شدند، فرماندهان سپاه را معرفی می‌کردند و بر لزوم تقویت و اطاعت از آنان تاکید می‌فرمودند. طبرسی در کتاب احتجاج درباره محل انتخاب اسامه به عنوان فرمانده سپاه اعزامی به موته آورده است: «رسول خدا در حالی که بر شانه‌های علی (ع) و عبایش تکیه داده بودند در مسجد حاضر شدند برای مردم خطبه خوانند آنان را به جهاد ترغیب کردند و در همان جا اسامه را به عنوان فرمانده لشکر به مردم معرفی نمودند».<sup>۴۷</sup>

مسجد همچنین محلی و محفلی برای اعلان‌های رسمی به صورت گفتاری یا نوشتاری بوده است. به روایت دائرة المعارف مختصر اسلام، مسجد به طور عام و منبر به طور خاص محلی بود که اعلان‌های رسمی در آن داده می‌شد.<sup>۴۸</sup> همچنین اطلاعیه و اخبار مهم مربوط به حکومت اسلامی بر درب مساجد نصب می‌گردید. طه الولی در این زمینه می‌گوید: «اطلاعیه‌های حکومت در عصور اولیه به درهای مساجد به خصوص مساجد جامعه نصب می‌شد چرا که تجمع مردم برای نماز و حضور در مراسم اجتماعی و دینی و سیاسی زیاد بود».<sup>۴۹</sup>

## 7. مددکاری اجتماعی مسلمانان از طریق مسجد

در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) ایشان از مسجد جهت ارائه‌ی خدمات اجتماعی و رفاهی به مسلمانان استفاده می‌نمودند. بر اساس سیره‌ی نبوی (ص) افراد ضعیف و کسانی که به نوعی دارای مسائل و مشکلات بودند برای رفع نیازشان به آن حضرت در مسجد روی می‌آوردند و حضرت نیز با بذل مساعدت‌های لازم، نیاز آنان را تا حد امکان برطرف می‌کردند. بدین ترتیب مسجد به عنوان مکانی که می‌توانست محل ارتباط مستقیم رهبر و مردم باشد، مطرح بود. در زمان پیامبر اکرم (ص) گروهی از مستمندان مسلمان که در مدینه جا و کسی را نداشتند در مسجد زندگی می‌کردند. «آنها که قریب به چهارصد تن بودند از کمک‌های مالی و خدماتی پیامبر (ص) و اصحابش برخوردار بودند».

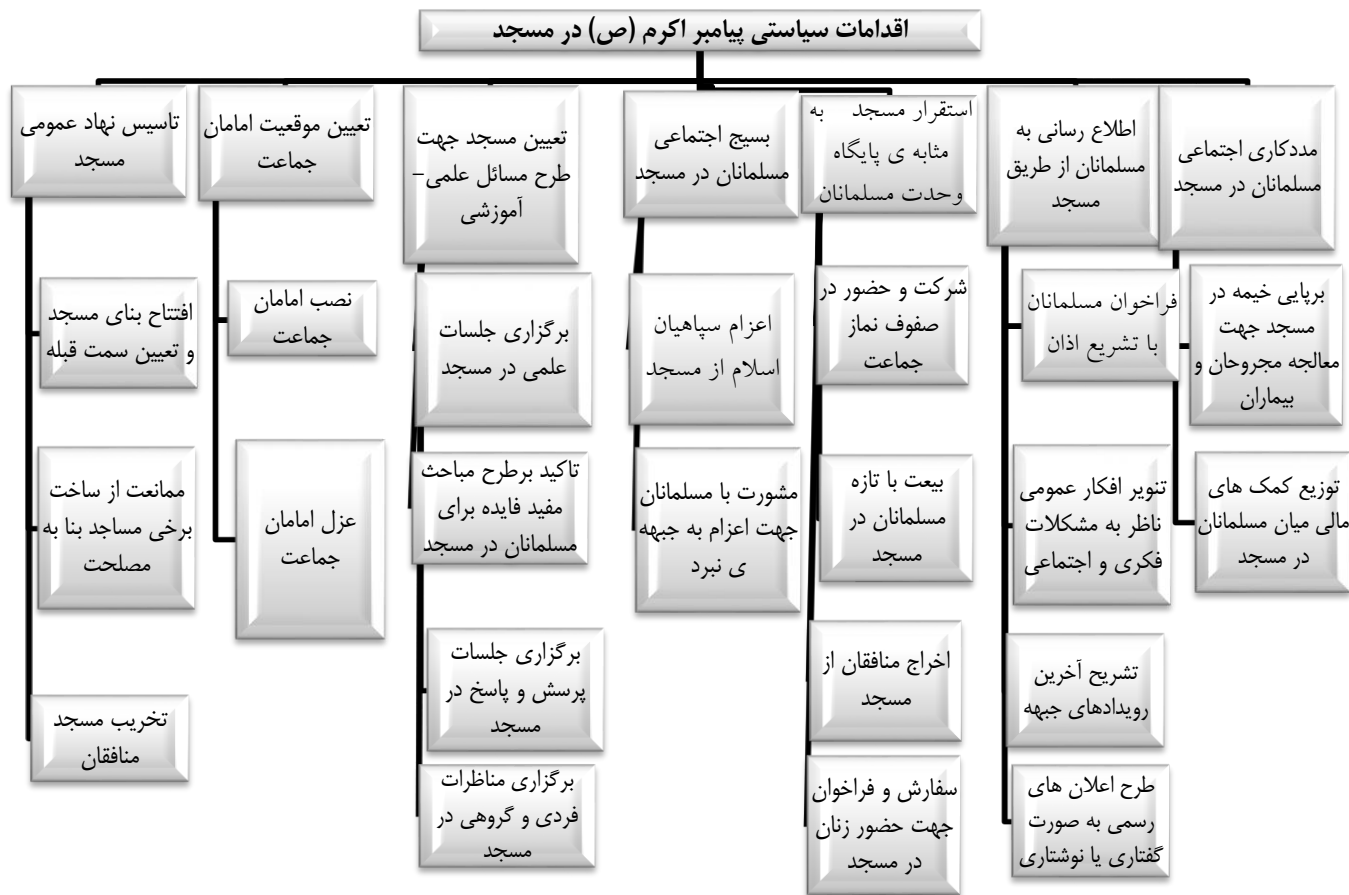
به دستور پیامبر (ص) آنها در بخشی از انتهای مسجد که مستقف بود سکنا گزیده و ضمن اقامت در آنجا قرآن می‌آموختند، روزه می‌گرفتند و به جهاد می‌رفتند.<sup>۵۰</sup>

در طبقات سعد آمده است: «شب‌ها رسول خدا (ص) اصحاب صفه را فرا می‌خواندند و هرچند نفر از ایشان را برای صرف شام به منزل یکی از انصار می‌فرستادند و گروهی را نیز با خود به منزل می‌بردند و در آنجا از ایشان پذیرایی می‌کردند».<sup>۵۱</sup>

همچنین ایشان برای احترام به مجروحان جنگی و استفاده از فضای معنوی مسجد جهت تسریع در بهبود مجروحان و بیماران دستور داده بودند تا در مسجد خیمه ای برپا گردد و از آنها در آنجا پرستاری شود. واقعی در این زمینه می‌نویسد: «پس از جنگ احد و زخمی شدن تعداد زیادی از لشکریان اسلام مسلمانان در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و از مجروحان پرستاری می‌کردند».<sup>۵۲</sup> پیامبر اکرم (ص) هنگام جنگ خندق خیمه ای برای درمان زخمیان در مسجد مدینه برپا کرد و زنی به نام رفیده را برای رسیدگی به حال مجروحان برای آن تعیین نمود.<sup>۵۳</sup> در جنگ خندق پس از آنکه سعد بن معاذ که در این جنگ مجروح شد به قوم او دستور دادند تا سعد را در خیمه ی رفیده بستری کنند تا آن حضرت زود به زود به عیادت او برود.<sup>۵۴</sup>

سید جعفر مرتضی در «الأداب الطیبه فی الاسلام» می‌نویسد: «در مسجد پیامبر (ص) جایگاهی برای معالجه ی بیماران و مجروحان معین شده بود که پیامبر (ص) و صحابه از بستری شدگان در آنجا عیادت و دلجویی می‌کردند».<sup>۵۵</sup>

از دیگر اقدامات سیاستی پیامبر (ص) در حوزه مددکاری و خدمات اجتماعی پخش و توزیع کمک‌های مالی میان مسلمانان بود. در تاریخ فخری در این باره آمده است که: «در آن زمان هر گاه مالی از ناحیه ای به مدینه می‌رسید آن را به مسجد پیامبر (ص) می‌آوردند و با نظر آن حضرت (ص) میان مردم تقسیم می‌شد. این رسم در مدت خلافت ابوبکر نیز باقی بود».<sup>۵۶</sup> همچنین در سیره حلبی آمده است: «مالی را از بحرین برای رسول خدا (ص) آورده بودند. آن حضرت (ص) فرمودند: آن را در مسجد قرار دهید تا توزیع شود. و این بیشترین مالی بود که تا آن زمان برای پیامبر (ص) آورده بودند. آن گاه که رسول خدا (ص) برای ادای نماز به مسجد آمدند در کنار آن مال نشستند و هیچ کس نماند مگر اینکه حضرت (ص) چیزی از آن را به او بخشیدند».<sup>۵۷</sup>





## نتیجه‌گیری

فعالیت‌ها و اقدامات سیاستی نبی مکرم اسلام در نهاد فرهنگی مسجد حاکی از آن است که پیامبر(ص) به عنوان رسول و حاکم شریعت اسلام نقش فعال و پویایی را در مسجد ایفا می‌نمودند. اقدامات سیاستی ایشان مانند تاسیس نهاد فرهنگی مسجد، عزل و نصب امامان جماعت، تعیین مسجد به مثابه جایگاه طرح مسائل علمی - آموزشی، بسیج اجتماعی مسلمانان (تجییش جیوش مسلمین) در مسجد، استقرار مسجد به مثابه ی پایگاه وحدت و همبستگی مسلمانان، خبر رسانی و اطلاع دهی به مسلمانان از طریق مسجد، مددکاری اجتماعی مسلمانان در مسجد، نشان دهنده این مطلب است که حاکم اسلامی وظیفه ی هدایت جامعه به سوی رشد، فلاح و شکوفایی استعدادهای نهفته و عظیم انسانی را بر عهده دارد. بدین منظور - برای هدایت جامعه اسلامی به سوی اهداف متعالی - اقتضا می‌کند که پیامبر (ص) در زمان خود به صورت مستقیم - و برخی موارد غیر مستقیم - در شوون فرهنگی جامعه (به ویژه از مجرای نهاد مسجد) دخالت نمایند تا مسلمانان را به سر حد مقصود و مطلوب برسانند. با تتبع در سیره نبوی می‌توان این مساله را مطرح کرد که هر چند دخالت نظام اسلامی اعم از دخالت مستقیم حاکم شرع یا دیگر افراد یا نهادهای وابسته به حاکمیت در امور مساجد، شرعی و قانونی می‌باشد اما این نحو دخالتها باید به گونه ای باشد که موجب رشد، شکوفایی و رونق مساجد در جامعه ی اسلامی شود. از این رو برای دخالت نظام اسلامی در امور مساجد نباید فقط به مشروعیت این دخالت استناد کرد بلکه باید با ارزیابی‌های صحیح از نتایج مثبت کار مطمئن بود به عبارت دیگر مشروعیت دخالت حاکمیت و حاکم اسلامی در امور مساجد به معنای حتمیت آن دخالت نمی‌باشد بلکه هدایت جامعه اسلامی به سمت فلاح و رستگاری اقتضا می‌کند که حاکم و نمایندگان در این جامعه برای دخالت در نهاد فرهنگی مسجد - یا به طور کلی در هر شانی از شوون فرهنگی جامعه - فقط به این نکته بسنده نکنند که دخالتشان پشتوانه ی شرعی دارد بلکه در هر اقدام و فعالیتی در حوزه مساجد - یا تمام امور فرهنگی - علاوه بر مراعات جنبه ی مشروعیت، باید آثار پیدا و نهان دخالت حاکمیت ارزیابی‌های صحیح گردد و سپس درباره دخالت‌های صورت گرفته و نحوه و طریقه ی آن تصمیم مقتضی گرفته شود.

## یادداشت‌ها:

- 1- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ زائری، قاسم، «سیاست‌گذاری فرهنگی پیامبر اسلام (ص) و تاثیر آن بر موقعیت فرهنگی- اجتماعی زنان در زیست جهان جاهلی، پژوهش زنان، شماره 4، 1387، ص 5.
- 2- ضرابی، عبدالرضا، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، در کتاب کارکرد مسجد به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد، تهران: نشر رسانش، 1384، ص 270.
- 3- جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش بین‌المللی هفته‌ی جهانی گرامیاداشت مساجد، 1386، ج 4، ص 13.
- 4- امام زمان(عج) نیز در هنگام تشکیل حکومت در نقاط عالم اولین اقدامشان تأسیس مسجد خواهد بود. علامه مجلسی در بحار الانوار در این زمینه- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: انتشارات الاسلامیه، 1111ق، ج 52، باب 27- می‌نویسد: سیره و أخلاقه وعدد أصحابه؛ وَ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ إِلَى أَنْ قَالَ وَ يَنْهَزِمُ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ حَتَّى يَلْحَقُوا بِأَرْضِ الرُّومِ فَيَطْلُبُوا إِلَى مَلِكِهَا أَنْ يَدْخُلُوا إِلَيْهِ... قَالَ وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ وَ إِلَى أَصْحَابِهِ يَفْتَسِمُونَ الدَّنَائِيرَ عَلَى الْجُحْفَةِ ثُمَّ تَسَلِمُ الرُّومُ عَلَى يَدِهِ فَيُنْبِي فِيهِمْ مَسْجِدًا وَ يَسْتَخْلِفُ عَلَيْهِمْ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ ثُمَّ يَنْصَرِفُ (مجلسی، همان، ج 52، صص 389-388).
- 5- بعدها مسلمانان ساختن شهرهای جدید مانند کوفه، بصره و قاهره را با ساختن مسجد آغاز می‌کردند. در این شهرها ابتدا مکان مسجد مشخص می‌شد و سپس با محور قرار دادن آن، محله‌ها و خیابان‌ها و بازار و مانند آن شکل می‌گرفت. این اقدام نمادین جوهری عبودی شهر و جامعه و حکومت در اندیشه‌ای اسلامی را به خوبی نشان می‌دهد. (الویری، 1386، ص 100؛ نبوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، تهران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1376، ص 119).
- 6- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دار البیروت، 1405ق، ج 1، ص 239.
- 7- الکتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (التراتب الاداریه)، بیروت: دارالعربی، بی تا، ج 2، صص 77-76.
- 8- ابن شبه النمیری، عمر، تاریخ المدینه المنوره، چاپ اول، قم: دارالفکر، 1410ق، ج 1، ص 63.
- 9- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ترجمه جابر رضوانی، قم: بنی الزهراء، 1388، ج 1، ص 35.
- 10- ابن شبه، همان، ج 1، ص 45.
- 11- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، بیروت: دارالعلم، 1415ق، ج 4، ص 54.
- 12- واقدی، محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی، چاپ دوم، مرکز نشر دانشگاهی، 1369، ص 133.
- 13- واقدی، همان، صص 736-737.
- 14- پیامبر(ص) حتی در مواردی برای تنبیه، افراد را از مسجد اخراج می‌کرده‌اند. کلینی و شیخ صدوق در این زمینه می‌نویسند: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي الْمَسْجِدِ إِذْ قَالَ قُمْ يَا فَلَانُ قُمْ يَا فَلَانُ قُمْ يَا فَلَانُ قُمْ يَا فَلَانُ حَتَّى أَخْرَجَ خَمْسَةَ نَفَرٍ فَقَالَ أَخْرَجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لَأَتُصَلُّوا فِيهِ وَ أَنْتُمْ لَا تَزُكُّونَ» (صدوق (شیخ) ابن بابویه،

- محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: دارالرضی، 1406، ج 2، ص 12؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، چاپ دوم، 1362، ج 3، ص 503؛ بدرالعینی، محمود بن احمد، عمده القاری فی شرح صحیح البخاری، قاهره: اداره الطباعة المنبریة، 1348ق، ج 4، ص 149).
- 15- برای مثال می‌توان به عبدالله بن رواحه (مسائل اعتقادی)، عباده بن صامت (مامور آموزش قرآن و نوشتن به اصحاب صفه)، جابر بن عبدالله، ابان بن سعید، ثابت بن قیس بن شماس، ابو عبیدالله جراح و... اشاره نمود (الکتانی، همان، ج 2، صص 40-48 و 218-221).
- 16- احادیثی مانند «طلب العلم فریضه علی کل مسلم الا ان الله یحب بغاه العلم»، «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد»، «اطلبوا العلم ولو بالصین» در این زمینه حائز اهمیت می‌باشد.
- 17- خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ «ص» فَإِذَا فِي الْمَسْجِدِ مَجْلِسَانِ مَجْلِسٌ يَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِسٌ يَدْعُونَ اللَّهَ وَ يَسْأَلُونَهُ فَقَالَ كِلَا الْمَجْلِسَيْنِ إِلَى خَيْرٍ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ وَ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يَفْقَهُونَ الْجَاهِلَ هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ بِالتَّغْلِيمِ أُرْسِلْتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ (مجلسی، همان، ج 1، ص 206؛ حکیمی، محمد رضا و دیگران، الحیاه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380، ج 1، ص 62).
- 18- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: موسسه‌ی اهل بیت، 1408ق، ج 3، ص 363.
- 19- يَا أَبَا ذَرٍّ كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعُوٌّ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: قِرَاءَةٌ مُصَلٍّ أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ أَوْ سَائِلٌ عَنِ عِلْمٍ أَوْ عِلْمٍ أَوْ سَائِلٌ عَنِ عِلْمٍ أَوْ سَائِلٌ عَنِ عِلْمٍ (آشتیانی، احمد طرائف الحکم، تهران: کتابخانه صدوق، چاپ سوم، 1362، ج 2، ص 301؛ ابی فراس، ورام، تنبیه الخواطر (مجموعه ورام)، قم: مکتبه فقیه، چاپ اول، بی تا، ج 2، ص 62؛ علم الهدی خراسانی، علی، نهج الخطابیه، چاپ دوم، تهران: کتابخانه صدر، 1374، ج 1، ص 440).
- 20- مجلسی، همان، ج 83، ص 370.
- 21- دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطَافُوا بِرَجُلٍ فَقَالَ: مَا هَذَا؟ فَقِيلَ عَلَّامَةٌ فَقَالَ: وَ مَا الْعَلَّامَةُ فَقَالُوا لَهُ أَغْلَمَ النَّاسُ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَ وَقَائِعِهَا وَ أَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْأَشْعَارِ الْعَرَبِيَّةِ. قَالَ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) ذَاكَ عِلْمٌ لَا يَضُرُّ مَنْ جَهَلَهُ وَ لَا يَنْفَعُ مَنْ عِلِمَهُ. ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ (ص) إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ أَيْهٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَّاهُنَّ فَهَوُ فَضْلٌ. (مجلسی، همان، ج 1، ص 211؛ کلینی، همان، ج 1، ص 32).
- 22- بعدها به پیشنهاد برخی از مسلمانان منبری که داری سه پایه و از چوب بود برای آن حضرت ساخته شد. (الکتانی، همان، ج 1، ص 67؛ مصری (سمهودی)، نورالدین علی بن احمد، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1393ق، ج 2، صص 395-391).
- 23- در مجالس سخنرانی و محفل پرسش و پاسخ پیامبر اکرم (ص) زنان نیز حضور داشتند. اگر احساس می‌شد زنان به هر دلیل سخنان پیامبر (ص) را نشنیده‌اند پیامبر (ص) آنان را مجدداً موعظه و نصیحت می‌کرد. روزی پیامبر اکرم (ص) در حالی که بلال نیز با او همراه بود دانست که زنان سخنان او را نشنیده‌اند؛ دوباره آنان را موعظه کرد و ایشان را به صدقه دادن فرمان داد. (بخاری، ابو عبدالله، صحیح البخاری، بیروت: دارالقلم، 1407ق، ج 1، باب 75، شماره 96) گاه زنان درخواست می‌کردند که برای آنان مجلس سخنرانی

- جداگانه‌ای تشکیل شود؛ پیامبر(ص) با پیشنهاد آنان موافقت می‌نمود و مجلسی مخصوص به زنان برپا می‌شد. (بخاری، همان، ج 1، باب 78، شماره 99).
- 24- ابن سعد، همان، ج 2، ص 445.
- 25- مجلسی، همان، ج 40، ص 45.
- 26- موضوع مذاکره برخی از این هیات‌ها همچون هیات اعزامی از قبیل هوازن، علاوه بر گفتگو پیرامون اسلام آوردن و انعقاد عهدنامه، مطالبه اموال و آزادی اسیرانی بود که مسلمانان در جنگ با آن‌ها به غنیمت گرفته بودند. نمایندگان این هیات بنا به پیشنهاد پیامبر خواسته‌های خود را پس از ادای نماز با حاضران در مسجد مطرح کردند. پیامبر نیز توصیه‌ها و صلاح دیدهای خود را در ارتباط با خواسته‌های آنان با مردم در میان گذاشت. (واقدی، همان، ص 734).
- 27- واقدی، همان، صص 734-736؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، 1372، ج 2، ص 406.
- 28- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ چهارم، تهران: بنیاد علامه طباطبایی، 1370، ص 244.
- 29- واقدی، همان، ص 155.
- 30- ابن هشام، همان، ج 3، ص 67.
- 31- همان، صص 860-859.
- 32- مصری، همان، ص 167.
- 33- واقدی، همان، ص 152.
- 34- واقدی، همان، صص 798-799.
- 35- جایگاه حضور مردم در مساجد و شرکت در نماز جماعت در اسلام به قدری متعالی است که در برخی احادیث ترک‌کنندگان مسجد را به سوزاندن خانه‌های آنان تهدید نموده‌اند. برای مثال امام صادق در این زمینه می‌فرماید: «در زمان رسول خدا (ص) برخی از مردم به مسجد و شرکت در نماز کوتاهی می‌نمودند. رسول خدا (ص) فرمودند: نزدیک است دستور دهیم خانه‌های چنین افرادی را با آتش بر سرشان بسوزانند» (حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تهران: اسلامیه، 1403ق، ج 3، ص 478؛ بخاری، همان، ج 1، ص 317).
- 36- یوسفی، محمدرضا، «بررسی نقش مساجد در وحدت و انسجام مسلمانان در سیره رسول اعظم (ص)»، فصلنامه سفیر، سال اول، شماره 4، 1386، ص 214.
- 37- يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَ امْسَحُوا بِمَنَاقِبِكُمْ لِيَلَّا يَكُونَ فِيكُمْ خَلَلٌ. (صدوق، همان، ص 230؛ حکیمی، همان، ج 1، ص 543).
- 38- واقدی ماجرای بیعت وائله بن اسقع لیشی، عثمان بن طلحه، خالد بن ولید و عمرو بن عاص را با پیامبر (ص) در مسجد پس از نماز عصر بیان کرده است. (واقدی، همان، ص 568 و 783).

- 39- البته پیامبر اکرم (ص) برخی از کسانی که اهتمام بر عمل به واجبات نداشتند را از ورود به مسجد منع و اخراج می‌کردند. برای مثال امام باقر (ع) می‌فرماید: «در حالی که رسول خدا (ص) در مسجد بودند فرمودند: فلانی برخیز... تا اینکه پنج نفر را جدا نمودند. آنگاه فرمودند: از مسجد ما خارج شوید تا هنگامی که زکات نمی‌دهید در مسجد ما نماز بجای نیاورید» (حر عاملی، همان، ج 6، ص 12؛ ابن هشام، همان، ج 2، صص 175-177).
- 40- مسجد ضرار از جمله‌ی این مساجد می‌باشد که دستور پیامبر (ص) مبنی بر تخریب و به آتش کشیدن آن از نمونه‌های بارز برخورد با منافقان و ممانعت پیرامون انحراف مسجد از جایگاه اصیل خود در طول تاریخ است که شرح آن ذیل تاسیس نهاد فرهنگی مسجد مطرح شد.
- 41- إذا استأذنت امرأة أحدكم إلى المسجد فلا يمنعها (خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ انصاری، مسعود، پیام پیامبر، تهران: منفرد، چاپ اول، 1376، ص 706؛ نوری طبرسی، همان، ج 3، ص 446).
- 42- لاتمنعوا النساء حُطُوطَهُنَّ من المساجد اذا استأذَنَوكُم. (قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح المسلم، بیروت: دارالفکر، 1401ق، ج 4، ص 161؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، 1401ق، ج 4، ص 161).
- 43- قشیری نیشابوری، همان، ج 1، ص 13.
- 44- ابن سعد، همان، ج 4؛ کلینی، همان، ج 8، ص 342.
- 45- ابن سعد، همان، ج 4، ص 246.
- 46- واقدی، همان، ص 321.
- 47- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: انتشارات مرتضی، 1403 ق، ج 1، ص 70.
- 48- Gibb & Kramers, Shorter Encyclopedia of Islam, Ithaca: Cornell University Press, 1953, pp 347-348, 259.
- 49- الولی، طه، المسجد فی الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین، 1409، ص 163.
- 50- غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ الجامعات الکبری، ترجمه نورالله کسای، تهران: دانشگاه تهران، 1371، ص 340.
- 51- بعدها این فرهنگ در میان مسلمانان همه‌ی سرزمین‌ها گسترش یافت که غریبان و بی‌پناهان حق دارند در مساجد سکنا گزینند و مسافران به محض ورود به شهری به سوی مسجد جامع آن می‌رفتند و در آنجا استراحت می‌کردند. (محرمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه‌ی اسلامی، قم: انتشارات یمین، 1379، ص 151؛ ابن سعد، همان، ج 1، ص 225).
- 52- واقدی، همان، ج 1، ص 180.
- 53- غنیمه، همان، ص 168.
- 54- ابن هشام، همان، ج 3، ص 250.
- 55- مرتضی عاملی، سید جعفر، الادب الطیبه فی الاسلام، ترجمه لطیف راشد، قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1380، ص 69.
- 56- ابن طقطقی، محمد بن علی، الفخری فی الادب السلطانیه و الدول الاسلامیه، لبنان، دار بیروت، 1350ق، ص 112.

57- حلبى، على بن برهان الدين، السيره الحلبيه، بيروت: دارالمعرفه، 1400ق، ص 78.